

Analyzing Children's Rights in the Media Age: Rethinking Education in the Shadow of Digital Life

Authors		Organizational Affiliation
Kamal Nosrati Heshi *		Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Ardabil, Iran
Hossein Orooji		Level 4 Seminary Student, Islamic Seminary, Ardabil, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	<p>The rapid expansion of digital media and its intertwining with everyday life has turned children's media life into a fundamental phenomenon that has had profound effects on the process of education and the realization of their fundamental rights. In such circumstances, traditional models of education are being challenged and the need to rethink legal and educational frameworks is felt more than ever. The aim of this research is to analyze the relationship between the three components of "children's rights", "digital education", and "media life", focusing on how to redesign the education process in order to protect children's rights in the digital age. The present research examines the theoretical and practical dimensions of this interaction using a descriptive-analytical method and using Islamic sources, international documents such as the Convention on the Rights of the Child, and new media studies. The findings show that the media life, while providing opportunities for the child's cognitive and social development, creates serious challenges in the areas of privacy, identity, and mental health. Therefore, the article presents a proposed model for media-oriented education based on the rights of the child that comprehensively integrates the three dimensions of morality, parental authority, and child freedom in the light of Islamic teachings and global requirements. The results of the research can be the basis for cultural, educational, and legal policies in Islamic societies to responsibly confront the digital world.</p>
Pages	87 - 75	
Volume 2, Issue 2		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Kamal Nosrati Heshi	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09379930132	
Email	kamalnorsrati1367@cfu.ac.ir	
Article History		
Received	2025/06/04	
Revised	2025/06/20	
Accepted	2025/07/06	
Published Online	2025/07/29	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords	<i>Digital education, digital life, media age</i>	
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Nosrati Heshi, Kamal; Orooji, Hossein (2025), "Analyzing Children's Rights in the Media Age: Rethinking Education in the Shadow of Digital Life", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 2, (Fourth Consecutive Issue), Pages 75 – 87	

۱- مقدمه

در جهان امروز، رسانه‌ها به‌جزئی جدایی‌ناپذیر از تجربه روزمره انسان، به‌ویژه نسل کودک و نوجوان، تبدیل شده‌اند؛ تجربه‌ای که نه‌تنها شکل تعامل کودک با محیط پیرامونی را دگرگون ساخته، بلکه در هویت‌یابی، رشد روانی-اجتماعی و فرآیند آموزش و پرورش او نقشی بنیادین ایفا می‌کند. فضای نوین رسانه‌ای، که ترکیبی از شبکه‌های اجتماعی، محتوای چندرسانه‌ای، پلتفرم‌های تعاملی و فناوری‌های هوشمند است، موجب شکل‌گیری وضعیت تازه‌ای موسوم به «زیست رسانه‌ای» شده است؛ مفهومی که اشاره دارد به حضور مداوم، درگیرانه و گاه ناآگاهانه‌ی کودک در محیط رسانه‌ای، و تجربه‌ای که دیگر محدود به زمان و مکان مشخصی نیست، بلکه به‌مثابه یک سبک زندگی جدید، در تمامی ابعاد وجودی کودک نفوذ کرده است (سیدناصری، ۱۴۰۲: ۸۸). در این بستر، ضرورت یافتن رویکردهایی تازه برای تربیت کودک، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. چرا که مفاهیم سنتی تربیت، بدون درک ابعاد پیچیده و پویای زیست رسانه‌ای، دیگر کارآمدی لازم را ندارند. از سوی دیگر، رسانه‌ها در عین آن‌که حامل فرصت‌هایی کم‌نظیر برای یادگیری، تقویت مهارت‌های اجتماعی و آموزش اخلاقی‌اند، در صورت عدم هدایت و نظارت صحیح، می‌توانند کودک را در معرض تهدیدهایی چون نقض حریم خصوصی، مصرف‌گرایی افراطی، خشونت نمادین، تضعیف هویت فرهنگی و الگوسازی‌های تحریف‌شده قرار دهند (فرامرزیانی، ۱۴۰۰: ۲۳). این وضعیت، پرسشی بنیادین را پیش روی ما می‌گذارد: آیا می‌توان مفاهیم «حقوق کودک»، «تربیت دیجیتال» و «زیست رسانه‌ای» را در چارچوبی هم‌افزا به‌کار گرفت، یا آن‌که میان آن‌ها، تعارضی ساختاری وجود دارد که فرآیند رشد و تربیت کودک را با چالش مواجه ساخته است؟ از سویی، مفهوم حقوق کودک، همان‌طور که در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و متون ملی مانند «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» (۱۴۰۰) آمده، بر اصولی چون حفظ کرامت انسانی، رشد متوازن، حمایت در برابر آسیب‌ها، حق بر مشارکت، و تأمین مصالح عالی‌ه کودک استوار است، اصولی که باید در تمام حوزه‌های سیاست‌گذاری، از جمله فضای رسانه‌ای، منعکس گردند. در مقابل، تربیت دیجیتال، به معنای آماده‌سازی کودک برای زیستی اخلاقی، آگاهانه و توانمند در دنیای دیجیتال، مستلزم برخورداری از سواد رسانه‌ای، مهارت تفکر انتقادی، و هدایت تربیتی مسئولانه از سوی والدین و نظام آموزشی است (نصیری، ۱۴۰۲: ۲۹۴؛ بیات، ۱۴۰۳: ۸). با این حال، نبود چارچوب‌های منسجم برای تلاقی این دو حوزه و فقدان الگویی بومی‌سازی‌شده، موجب شده است که فرآیند تربیت کودک در زیست رسانه‌ای، یا به محدودسازی‌های صرف تقلیل‌یابد یا به آزادی‌های بی‌ضابطه‌ای بیانجامد که با اصول تربیتی و فرهنگی جامعه در تعارض است. بنابراین، پژوهش حاضر، با تأکید بر پیوند میان سه حوزه «حقوق کودک»، «تربیت دیجیتال» و «زیست رسانه‌ای»، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که: چگونه می‌توان الگویی تربیتی برای کودک طراحی کرد که با تکیه بر اصول حقوق کودک و آموزه‌های اسلامی، زمینه‌ساز رشد متعادل، هویت‌یابی سالم، امنیت روانی و کنش‌گری اخلاقی‌محور او در فضای رسانه‌ای باشد؟

۲- پیشینه‌شناسی

در ادامه، به برخی از پژوهش‌های نوین و مرتبط با موضوع «حقوق کودک، تربیت دیجیتال و زیست رسانه‌ای» اشاره می‌شود که می‌توانند پشتوانه نظری و تحلیلی مناسبی برای مقاله‌ات فراهم کنند.

غنی‌زاده بافق‌ی و رضوانی (۱۴۰۲)، در پژوهش خود با این عنوان «راهبردهای حمایت از حقوق کودکان در محیط دیجیتال» چنین بیان کرده‌اند که محیط دیجیتال، با وجود آن‌که برای کودکان طراحی نشده، به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی آنان تبدیل شده است. نویسندگان با تحلیل اسناد بین‌المللی و داخلی، بر این باورند که کودکان در معرض تهدیدهای متعددی از جمله نقض حریم خصوصی، خشونت دیجیتال و بهره‌کشی اطلاعاتی قرار دارند. آنان تأکید می‌کنند که حمایت از حقوق کودک در این فضا نیازمند راهبردهای پیشگیرانه، مشارکت نهادهای اجتماعی و طراحی زیرساخت‌های حمایتی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بدون مداخله مؤثر والدین، قانون‌گذاران و نهادهای آموزشی، زیست رسانه‌ای می‌تواند به تهدیدی برای رشد متعادل کودک بدل شود.

نصرت هسه و اوروجه (۷۵-۸۷)

شهسواری و حسنی (۱۴۰۳)، در پژوهش خود با عنوان «حمایت از کودکان در فضای دیجیتال در پرتو تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک» چنین بیان کرده‌اند که فضای دیجیتال، بستری دوگانه برای تعالی یا تخریب کودکان است. آنان با استناد به تفسیر عمومی شماره ۲۵ کنوانسیون حقوق کودک، چارچوبی حقوقی برای صیانت از کودکان در محیط دیجیتال ترسیم کرده‌اند که شامل اصولی چون حق حیات، عدم تبعیض، رعایت مصالح عالیّه کودک و مشارکت فعال او در تصمیم‌گیری‌هاست. پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، بر لزوم تدوین سیاست‌های تقنینی، اجرایی و قضایی برای تضمین حقوق کودک در فضای دیجیتال تأکید دارد. این مطالعه، نقش آموزش، آگاهی‌بخشی و نظارت مستقل را در تحقق این حقوق حیاتی می‌داند.

سیدناصری (۱۴۰۲)، در پژوهش خود با عنوان «حقوق کودکان در محیط دیجیتال با تأکید بر سند راهبردی شورای اروپا» چنین بیان کرده است که حضور پررنگ کودکان در فضای دیجیتال، دولت‌ها را ملزم به بازنگری در سیاست‌های حمایتی کرده است. وی با تحلیل سند راهبردی شورای اروپا (۲۰۲۲-۲۰۲۷) و نظریه تفسیری شماره ۲۵، به این نتیجه رسیده است که حقوق کودک در محیط دیجیتال باید در قالب سیاست‌های ملی، آموزش والدین، و تنظیم‌گری پلتفرم‌ها نهادینه شود. پژوهش همچنین به تهدیدهایی چون خشونت دیجیتال، اعتیاد رسانه‌ای، نقض حریم خصوصی و فریب‌کاری آنلاین اشاره کرده و خواستار تدوین چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی برای مواجهه با این چالش‌ها شده است.

پاینده (۱۳۹۸)، در گزارش پژوهشی خود با عنوان «بررسی چالش‌های توسعه زیست‌بوم فضای مجازی در حوزه کودک و نوجوان» چنین بیان کرده است که با وجود تصویب اسناد راهبردی مانند سند صیانت از کودکان در فضای مجازی، همچنان خلأهای جدی در زمینه محتوا، خدمات بومی و سواد رسانه‌ای والدین وجود دارد. وی با تحلیل وضعیت بازیگران زیست‌بوم دیجیتال کودک، به چالش‌هایی چون ضعف جذابیت محتوای داخلی، نبود بستر اطلاع‌رسانی برای والدین، و سهم اندک بخش خصوصی در تولید محتوا اشاره کرده است. این پژوهش، راهکارهایی چون تقویت سواد رسانه‌ای خانواده‌ها، حمایت مالی از تولیدکنندگان داخلی و بازنگری در سیاست‌های حمایتی را پیشنهاد می‌دهد.

بادامی (۱۳۹۹)، در کتاب خود با عنوان «کودکان آنلاین و حق آنان بر امنیت همه‌جانبه در فضای مجازی» چنین بیان کرده است که امنیت دیجیتال کودکان باید به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین آنان در سیاست‌گذاری‌های ملی لحاظ شود. وی با بررسی چالش‌های حقوقی و فنی فضای مجازی، بر لزوم قانون‌گذاری جامع، آموزش والدین، و طراحی ابزارهای نظارتی تأکید دارد. این اثر، با رویکردی تطبیقی، تجارب کشورهای مختلف را در زمینه حمایت از کودکان آنلاین بررسی کرده و پیشنهادهایی برای تدوین قوانین بومی ارائه می‌دهد.

رستمی تبریزی و رضوانی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود با عنوان «مزاحمت سایبری، گونه‌شناسی، علت‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی در کودکان» چنین بیان کرده‌اند که کودکان به‌عنوان کاربران آسیب‌پذیر فضای مجازی، بیش از دیگر گروه‌ها در معرض آزارهای سایبری قرار دارند. آنان با تحلیل داده‌های میدانی و نظری، به بررسی انواع مزاحمت‌های سایبری، عوامل زمینه‌ساز آن‌ها و پیامدهای روانی و اجتماعی آن پرداخته‌اند. پژوهش، بر لزوم تدوین قوانین حمایتی ویژه کودکان، آموزش مهارت‌های مقابله با خشونت دیجیتال و ایجاد سامانه‌های گزارش‌دهی تأکید دارد.

مرکز تحقیقات فضای مجازی (۱۴۰۱)، در گزارش تحلیلی خود با عنوان «تحلیل تطبیقی سیاست‌های حمایت از کودکان در فضای مجازی» چنین بیان کرده است که کشورهای مختلف با رویکردهای متنوعی به حمایت از کودکان در فضای دیجیتال پرداخته‌اند. این گزارش با بررسی سیاست‌های کشورهای اسکانندیناوی، کره جنوبی و ایران، به نقاط قوت و ضعف هر رویکرد پرداخته و پیشنهادهایی برای بومی‌سازی سیاست‌های موفق ارائه داده است. از جمله یافته‌های کلیدی، اهمیت مشارکت خانواده، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها و آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان و والدین است. پژوهش‌های پیشین، هرچند به‌طور جداگانه به موضوعاتی چون حقوق کودک، چالش‌های زیست دیجیتال، یا الزامات تربیت رسانه‌ای پرداخته‌اند، اما اغلب فاقد نگاهی جامع، میان‌رشته‌ای و تلفیقی به تعامل این سه حوزه بوده‌اند. بیشتر آن‌ها یا بر جنبه‌های حقوقی متمرکز بوده‌اند بدون تحلیل عمیق تربیتی، یا به رویکردهای فرهنگی-آموزشی پرداخته‌اند بدون اتکا به چارچوب حقوق کودک به‌ویژه در بستر اسلامی. پژوهش حاضر با ترکیب سه بعدی «حقوق کودک، تربیت دیجیتال و زیست رسانه‌ای» و تأکید ویژه بر بازطراحی فرایند تربیت با رویکردی اسلامی-جهانی، گامی

نو در بازتعریف الگوهای تربیتی کودکان در عصر رسانه‌ای برمی‌دارد. نوآوری اصلی این مقاله در ارائه الگویی تربیتی بر اساس اصول بنیادین حقوق کودک و آموزه‌های اسلامی است که همزمان به نیازهای عصر دیجیتال و مقتضیات فرهنگی بومی پاسخ می‌دهد و می‌تواند بستری مناسب برای سیاست‌گذاری‌های کلان و تربیت رسانه‌محور متعهدانه فراهم آورد.

۳- مفهوم شناسی

در این بخش از مقاله، به مفهوم‌شناسی سه مؤلفه بنیادین یعنی تربیت دیجیتالی، زیست رسانه‌ای و حقوق کودک خواهیم پرداخت. این مفاهیم نه تنها شالوده نظری مقاله را تشکیل می‌دهند، بلکه در تحلیل رابطه میان تربیت، فناوری و حقوق انسانی کودک نقش محوری دارند. بررسی دقیق این مفاهیم، امکان تبیین چارچوب مفهومی و تعیین مرزهای نظری را فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز درک عمیق‌تر از تعامل این سه حوزه در عصر رسانه‌ای خواهد بود. بر همین اساس، ابتدا به تعریف و ابعاد تربیت دیجیتالی، سپس به ویژگی‌های زیست رسانه‌ای و در نهایت به اصول حقوق کودک با تأکید بر نگاه اسلامی-جهانی پرداخته خواهد شد.

۳-۱- تربیت دیجیتالی

تربیت دیجیتالی به معنای فرآیندی همه‌جانبه است که در آن، کودک و نوجوان نه تنها با ابزارهای فناورانه آشنا می‌شود، بلکه توانایی زیستن، تصمیم‌گیری اخلاقی و مشارکت مسئولانه در فضای دیجیتال را نیز فرا می‌گیرد. این تربیت ناظر به شکل‌دهی نگرش، مهارت و کنش دیجیتالی کودک است، به گونه‌ای که بتواند از فرصت‌های رسانه‌ای بهره‌بردار و در برابر تهدیدهای آن ایستادگی کند (قربانی، ۱۴۰۲: ۴۵). در این فرآیند، نقش والدین، مربیان و نهادهای اجتماعی کلیدی است؛ زیرا با آموزش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و پرورش اخلاق دیجیتال، مسیر تربیت را از حالت خطی و سنتی به تجربه‌ای شبکه‌ای، تعاملی و چندسویه سوق می‌دهند (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۲). تربیت دیجیتالی همچنین فراتر از استفاده ایمن از فناوری، به توانمندسازی کودک برای شناخت هویت، حفظ حریم خصوصی و مشارکت فرهنگی توجه دارد (بوسفی، ۱۴۰۰: ۵۹). بر همین اساس، پژوهش‌ها تأکید دارند که بدون مداخله راهبردی نهادهای حاکمیتی، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و مشارکت فعال خانواده، فرآیند تربیت دیجیتال به سرانجام مطلوب نخواهد رسید (غنی‌زاده بافقی و رضوانی، ۱۴۰۲: ۸۱).

۳-۲- زیست رسانه‌ای

زیست رسانه‌ای مفهومی نوپدید و چندلایه است که به توصیف وضعیت زندگی انسان، به‌ویژه کودک و نوجوان، در بستر رسانه‌های نوین و فناوری‌های ارتباطی می‌پردازد. در این زیست‌بوم، رسانه‌ها نه تنها ابزار انتقال پیام، بلکه محیطی برای شکل‌گیری هویت، روابط اجتماعی، سبک زندگی و حتی نظام ارزشی افراد محسوب می‌شوند. زیست رسانه‌ای کودک، به معنای حضور مستمر، فعال و تأثیرپذیر او در فضای دیجیتال است؛ حضوری که از سنین پایین آغاز می‌شود و در قالب بازی‌های آنلاین، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های آموزشی و سرگرمی، و تعاملات مجازی شکل می‌گیرد. این فضا، فرصت‌هایی چون یادگیری تعاملی، توسعه مهارت‌های ارتباطی و دسترسی به منابع متنوع را فراهم می‌آورد، اما در عین حال، تهدیدهایی چون نقض حریم خصوصی، خشونت رسانه‌ای، اعتیاد دیجیتال و بحران هویت را نیز به همراه دارد (غلامی، ۱۴۰۳: ۱۸۳). در چنین شرایطی، کودک در معرض الگوسازی‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرد که گاه با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه در تعارض است و این امر، ضرورت بازنگری در الگوهای تربیتی و حقوقی را دوچندان می‌سازد (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۲). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که زیست رسانه‌ای، نه صرفاً یک وضعیت فناورانه، بلکه یک «واقعیت تربیتی» است که باید با رویکردی میان‌رشته‌ای و مسئولانه مدیریت شود (سیدناصری، ۱۴۰۲: ۹۱). از این منظر، زیست رسانه‌ای کودک، عرصه‌ای است که در آن، مرز میان واقعیت و مجاز، آموزش و سرگرمی، و آزادی و نظارت به شدت درهم‌تنیده شده

نصرت‌هش و اورجی (۷۵-۸۷)

و تربیت در آن نیازمند بازتعریف مفاهیم بنیادینی چون اقتدار والدین، مشارکت کودک و مسئولیت رسانه‌هاست (غنی‌زاده بافقی و رضوانی، ۱۴۰۲: ۸۴).

۳-۳- حقوق کودک

حقوق کودک مفهومی بنیادین در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی است که به مجموعه‌ای از حقوق ذاتی، غیرقابل انتقال و غیرقابل سلب اشاره دارد که هر کودک، صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، مذهب یا وضعیت اجتماعی، از بدو تولد تا رسیدن به سن قانونی از آن برخوردار است. این حقوق شامل ابعاد مختلفی چون حق حیات، رشد، آموزش، بهداشت، بازی، مشارکت، حمایت در برابر خشونت، استثمار و تبعیض می‌شود و در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) به‌طور جامع تبیین شده است. در فضای دیجیتال، این حقوق با چالش‌های نوینی مواجه شده‌اند؛ چرا که کودکان در معرض تهدیدهایی چون نقض حریم خصوصی، خشونت سایبری، بهره‌کشی اطلاعاتی و دسترسی به محتوای نامناسب قرار دارند (سیدناصری، ۱۴۰۲: ۹۱). از این‌رو، حق بر دسترسی ایمن، آموزش سواد رسانه‌ای، حفاظت از داده‌های شخصی و مشارکت معنادار در فضای دیجیتال به‌عنوان مصادیق نوین حقوق کودک مطرح شده‌اند (غنی‌زاده بافقی و رضوانی، ۱۴۰۲: ۸۳). در این میان، نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک سازمان ملل (۲۰۲۱) تأکید می‌کند که دولت‌ها موظف‌اند حقوق کودک را نه فقط در فضای فیزیکی، بلکه در محیط دیجیتال نیز تضمین کنند و سیاست‌گذاری‌های خود را بر اساس اصول چهارگانه کنوانسیون—یعنی عدم تبعیض، رعایت مصالح عالی‌ه کودک، حق بر بقا و رشد، و مشارکت—بازطراحی نمایند (هدایتی، ۱۴۰۰: ۲۷). افزون بر این، در آموزه‌های اسلامی نیز کرامت ذاتی کودک، حق بر تربیت، امنیت، و رشد متوازن به‌عنوان حقوق فطری و الهی مورد تأکید قرار گرفته است (بادامی، ۱۳۹۹: ۴۴). بنابراین، حقوق کودک در عصر رسانه‌ای نیازمند بازخوانی و بازتعریف در پرتو تحولات فناورانه، مقتضیات فرهنگی و الزامات اخلاقی است تا بتوان از کودک به‌عنوان یک «شهروند دیجیتال» با حقوق کامل و مصونیت‌های لازم حمایت کرد.

۴- چالش‌ها و تهدیدها

در این بخش از مقاله، به بررسی چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از زیست رسانه‌ای در تربیت کودک و حفظ حقوق او می‌پردازیم. با گسترش فضای دیجیتال، کودکان در معرض مخاطرات متعددی قرار گرفته‌اند که نه فقط رشد روانی، اجتماعی و اخلاقی آن‌ها را تهدید می‌کند، بلکه دستیابی آنان به حقوق بنیادین‌شان را نیز با چالش مواجه ساخته است. از جمله این تهدیدات می‌توان به نقض حریم خصوصی، خشونت رسانه‌ای، اعتیاد دیجیتال، فریب‌کاری الگوریتمی، مصرف‌گرایی افراطی، و تضعیف روابط واقعی خانوادگی اشاره کرد. تبیین دقیق این چالش‌ها، زمینه را برای ارائه راهکارهای تربیتی و سیاستی متناسب با اقتضات فرهنگی—دینی فراهم خواهد ساخت. در ادامه، به‌صورت تحلیلی و مستند، مهم‌ترین تهدیدهای تربیتی، روان‌شناختی، و حقوقی زیست رسانه‌ای کودکان بررسی خواهد شد.

۴-۱- تضاد منافع تجاری رسانه‌ها با حقوق روانی و شناختی کودک

یکی از چالش‌های بنیادین زیست رسانه‌ای کودکان، تضاد آشکار میان منافع تجاری رسانه‌ها و حقوق روانی—شناختی کودک است. در حالی که کودک به‌عنوان مخاطبی آسیب‌پذیر، نیازمند محتوای متناسب با رشد ذهنی، هیجانی و اخلاقی خود است، بسیاری از رسانه‌ها با هدف حداکثرسازی سود، به تولید و توزیع محتوایی می‌پردازند که نه تنها فاقد ارزش تربیتی است، بلکه گاه به‌طور مستقیم سلامت روانی کودک را تهدید می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که الگوریتم‌های تجاری پلتفرم‌ها، با اولویت دادن به جذابیت، اعتیادآوری و ماندگاری کاربر، کودک را در معرض بمباران اطلاعاتی، مصرف‌گرایی افراطی، خشونت نمادین و کلیشه‌های جنسیتی قرار می‌دهند (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). این وضعیت، منجر به اختلال در تمرکز، کاهش توان تحلیل انتقادی، تضعیف روابط واقعی و شکل‌گیری هویت‌های کاذب در کودکان می‌شود (شهبوساری و حسنی، ۱۴۰۳: ۱۰۱۲).

نصرت هسه و اورجے (۷۵-۸۷)

از سوی دیگر، نبود نظام‌های تنظیم‌گر مستقل و اخلاق حرفه‌ای در بسیاری از رسانه‌ها، موجب شده است که حقوق کودک در برابر منطق سودآوری نادیده گرفته شود؛ به‌گونه‌ای که حتی داده‌های شخصی کودکان نیز به‌عنوان منبع درآمد مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (هدایتی، ۱۴۰۰: ۲۹). در این میان، نهادهای بین‌المللی مانند کمیته حقوق کودک سازمان ملل، بر لزوم بازطراحی سیاست‌های رسانه‌ای با محوریت «مصلح عالی‌ه کودک» تأکید دارند و خواستار تدوین چارچوب‌های الزام‌آور برای تفکیک منافع تجاری از حقوق بنیادین کودکان شده‌اند (میرمجیدی، ۱۴۰۳: ۶). بنابراین، تضاد منافع تجاری رسانه‌ها با حقوق روانی و شناختی کودک، یکی از چالش‌های اساسی عصر دیجیتال است که بدون مداخله تقنینی، تربیتی و اخلاقی، می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای نسل آینده به‌همراه داشته باشد.

۲-۴- خلأهای حقوقی در مواجهه با پلتفرم‌های جهانی

یکی از چالش‌های اساسی در زیست رسانه‌ای کودکان، وجود خلأهای حقوقی جدی در مواجهه با پلتفرم‌های جهانی است؛ پلتفرم‌هایی که با گستره‌ای فراملی، ساختارهای سنتی قانون‌گذاری را به چالش کشیده‌اند و در بسیاری موارد، از پاسخ‌گویی در برابر نقض حقوق کودک مصون مانده‌اند. این پلتفرم‌ها، با استناد به اصل «صلاحیت سرزمینی»، از شمول قوانین ملی کشورها خارج می‌شوند و همین امر، امکان پیگیری قضایی در مواردی چون نقض حریم خصوصی، انتشار محتوای آسیب‌زا یا بهره‌کشی اطلاعاتی از کودکان را دشوار ساخته است (سیدناصری، ۱۴۰۲: ۹۱). از سوی دیگر، بسیاری از کشورها فاقد قوانین مشخص برای الزام پلتفرم‌ها به رعایت اصول حقوق کودک هستند و حتی در مواردی که مقرراتی وجود دارد، ضمانت اجرایی آن‌ها در سطح بین‌المللی ضعیف است (هدایتی، ۱۴۰۰: ۲۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نبود نظام تنظیم‌گری جهانی، موجب شده است که شرکت‌های فناوری، استانداردهای خودخواسته‌ای را به‌جای اصول حقوق بشری جایگزین کنند؛ استانداردهایی که اغلب در راستای منافع تجاری و نه مصالح عالی‌ه کودک طراحی شده‌اند (صفری‌نیا، ۱۴۰۱: ۷۶). در این میان، نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک سازمان ملل (۲۰۲۱) بر لزوم تدوین چارچوب‌های الزام‌آور بین‌المللی برای پاسخ‌گویی پلتفرم‌ها تأکید دارد و خواستار همکاری دولت‌ها در ایجاد سازوکارهای نظارتی فرامرزی شده است (سیدناصری، ۱۴۰۲: ۹۳). بنابراین، خلأهای حقوقی در مواجهه با پلتفرم‌های جهانی، نه‌تنها مانعی برای تحقق حقوق کودک در فضای دیجیتال است، بلکه تهدیدی برای حاکمیت ملی، عدالت بین‌نسلی و امنیت روانی کودکان در عصر رسانه‌ای به‌شمار می‌رود.

www.nric.ir

۳-۴- تهدید هویت، حریم خصوصی، و رشد متعادل کودک در زیست رسانه‌ای

یکی از تهدیدهای بنیادین زیست رسانه‌ای برای کودکان، تضعیف هویت فردی، نقض حریم خصوصی و اختلال در رشد متعادل آنان است؛ چرا که فضای دیجیتال با ساختارهای الگوریتمی، محتوای بی‌مرز و الگوهای فرهنگی مسلط، فرآیند شکل‌گیری شخصیت کودک را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این فضا، کودک در معرض بمباران تصویری، مقایسه‌های اجتماعی، و الگوسازی‌های تحریف‌شده‌ای قرار می‌گیرد که گاه با ارزش‌های فرهنگی، دینی و خانوادگی او در تعارض است (خورشیدی، ۱۴۰۳: ۴۲). از سوی دیگر، نبود چارچوب‌های حقوقی الزام‌آور برای حفاظت از داده‌های شخصی کودکان، موجب شده است که اطلاعات حساس آنان توسط پلتفرم‌ها جمع‌آوری، تحلیل و حتی به‌صورت تجاری بهره‌برداری شود؛ امری که نه‌تنها حریم خصوصی کودک را نقض می‌کند، بلکه احساس امنیت روانی او را نیز تضعیف می‌سازد (فرامرزیانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳). این وضعیت، رشد شناختی و هیجانی کودک را نیز با چالش مواجه می‌سازد؛ چرا که مواجهه زودهنگام و بی‌ضابطه با محتوای بزرگسالانه، خشونت‌آمیز یا تحریف‌شده، موجب شکل‌گیری باورهای نادرست، اضطراب، و کاهش توان تمییز واقعیت از مجاز می‌شود (پاینده، ۱۳۹۸: ۲۹). در همین راستا، گزارش‌های تحلیلی اخیر نشان می‌دهند که بسیاری از کودکان در فضای مجازی، بدون آگاهی از حقوق خود، در معرض بهره‌کشی اطلاعاتی، الگوسازی‌های جنسیتی و فشارهای روانی قرار دارند که این امر، ضرورت بازنگری در سیاست‌های تربیتی، حقوقی و رسانه‌ای را دوچندان می‌سازد (سیدناصری، ۱۴۰۲: ۹۲). بنابراین، تهدید هم‌زمان هویت، حریم خصوصی و رشد متعادل کودک در زیست رسانه‌ای،

یکی از چالش‌های پیچیده و چندلایه عصر دیجیتال است که بدون مداخله‌ی فعال نهادهای تربیتی، تقنینی و فرهنگی، می‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای نسل آینده به‌همراه داشته باشد.

۵- فرصت‌ها و ظرفیت‌های تربیتی رسانه

در این بخش از مقاله، به بررسی فرصت‌ها و ظرفیت‌های تربیتی رسانه خواهیم پرداخت؛ یعنی ابعاد مثبتی که رسانه‌های نوین می‌توانند در خدمت رشد شناختی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی کودک قرار گیرند. برخلاف نگاه صرفاً تهدیدمحور، رسانه‌ها می‌توانند به‌عنوان بستری برای یادگیری تعاملی، ارتقاء سواد دیجیتال، تقویت هویت فرهنگی، و مشارکت فعال کودک در فرآیندهای اجتماعی ایفای نقش کنند. این ظرفیت‌ها، در صورتی بالفعل خواهند شد که با سیاست‌گذاری صحیح، آموزش هدفمند و راهبری تربیتی همراه گردند. در ادامه، به‌صورت تحلیلی و مستند، مهم‌ترین فرصت‌های تربیتی رسانه از منظر آموزشی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۵-۱- تأثیر زیست رسانه‌ای بر فرآیند رشد کودک

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های زیست رسانه‌ای در تربیت کودک، تأثیر آن بر فرآیند رشد چندبعدی اوست؛ چرا که رسانه‌های نوین، به‌ویژه رسانه‌های تعاملی، می‌توانند در صورت استفاده هدفمند و هدایت‌شده، به تقویت رشد شناختی، زبانی، اجتماعی و حتی اخلاقی کودک کمک کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده از محتوای آموزشی دیجیتال، مهارت‌های زبانی، دایره واژگان و توان روایت‌گری کودکان را به‌طور معناداری ارتقا می‌دهد (رستاک، ۱۴۰۳: ۲). همچنین، رسانه‌ها با فراهم کردن امکان تعامل با همسالان، معلمان و والدین در بسترهای مجازی، به رشد اجتماعی و تقویت مهارت‌های ارتباطی کودک کمک می‌کنند؛ به‌ویژه در کودکانی که از ابزارهای تعاملی مانند لپ‌تاپ یا تبلت به‌صورت گروهی استفاده می‌کنند، سطح همکاری و گفت‌وگوی بین‌فردی افزایش می‌یابد (برتری‌شو، ۱۴۰۲: ۴). افزون بر این، رسانه‌ها می‌توانند انگیزه یادگیری را در کودکان تقویت کرده و با ارائه الگوهای موفق، اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی آنان را افزایش دهند (فراهانی و سعید، ۱۴۰۱: ۲۸). البته این تأثیرات مثبت، مشروط به آن است که کودک در معرض محتوای متناسب با سن، فرهنگ و نیازهای رشدی خود قرار گیرد و استفاده از رسانه‌ها با نظارت تربیتی همراه باشد؛ در غیر این‌صورت، همین ابزارها می‌توانند به اختلال در رشد هیجانی، کاهش تمرکز و آسیب‌های جسمی منجر شوند (نیومن، ۱۹۹۷: ۳۱). بنابراین، زیست رسانه‌ای در صورت مدیریت‌شده، می‌تواند به‌عنوان یک فرصت تربیتی مؤثر در خدمت رشد همه‌جانبه کودک قرار گیرد.

۵-۲- امکان بهره‌گیری از رسانه‌ها در آموزش اخلاقی و مهارت‌های زندگی

یکی از ظرفیت‌های مهم زیست رسانه‌ای، امکان بهره‌گیری از رسانه‌ها در آموزش اخلاقی و تقویت مهارت‌های زندگی در کودکان است؛ چرا که رسانه‌ها با بهره‌گیری از روایت‌های داستانی، الگوهای تصویری و پیام‌های غیرمستقیم، می‌توانند مفاهیم اخلاقی را به‌گونه‌ای جذاب، ماندگار و قابل درک برای کودک منتقل کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برنامه‌های رسانه‌ای با محتوای اخلاق‌محور، مانند انیمیشن‌های آموزشی، نمایش‌های تعاملی و داستان‌های تصویری، می‌توانند در تقویت فضیلت‌هایی چون صداقت، احترام، همدلی و مسئولیت‌پذیری نقش مؤثری ایفا کنند (فراهادیان، ۱۳۹۹: ۲۸). همچنین، رسانه‌ها با نمایش موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی‌شده، امکان آموزش مهارت‌هایی چون حل مسئله، کنترل خشم، تصمیم‌گیری اخلاقی و ارتباط مؤثر را فراهم می‌سازند (دیلیمی و آذربایجان، ۱۳۹۸: ۲۹۵). از سوی دیگر، تربیت اخلاقی از طریق رسانه‌ها، به‌ویژه در قالب تربیت غیرمستقیم و ضمنی، پایدارترین نوع یادگیری را رقم می‌زند؛ چرا که کودک در فرآیند همذات‌پنداری با شخصیت‌های مثبت داستانی، ارزش‌های اخلاقی را درونی می‌سازد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۵۰). افزون بر این، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر نقش رسانه‌ها در ارتقاء تربیت اخلاقی و آموزش مهارت‌های زندگی تأکید کرده و آن را یکی از ارکان چهارگانه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

معرفی کرده است (مرکز پژوهش‌های آموزش و پرورش، ۱۴۰۰: ۳۲). بنابراین، رسانه‌ها در صورت بهره‌برداری هوشمندانه و هدایت‌شده، می‌توانند به‌عنوان ابزار مکمل نظام تربیتی، در پرورش انسان‌هایی اخلاق‌مدار، مسئول و توانمند در مواجهه با چالش‌های زندگی نقش‌آفرین باشند.

۵-۳- تقویت مشارکت فعال والدین و مربیان در تربیت رسانه‌ای

یکی از فرصت‌های کلیدی در زیست رسانه‌ای، تقویت مشارکت فعال والدین و مربیان در فرآیند تربیت رسانه‌ای کودکان است؛ چرا که بدون حضور آگاهانه و راهبردی این دو نهاد تربیتی، هیچ سیاست یا برنامه‌ای در حوزه سواد رسانه‌ای به نتیجه نخواهد رسید. والدین، به‌عنوان نخستین مرجع تربیتی کودک، نقش مهمی در هدایت مصرف رسانه‌ای، الگوسازی رفتاری و آموزش ارزش‌های اخلاقی در بستر دیجیتال دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که والدینی که خود از سواد رسانه‌ای کافی برخوردارند، بهتر می‌توانند در نقش «میانجی فعال» ظاهر شده و با فرزندان خود درباره محتوای رسانه‌ای گفت‌وگو کنند (نصیری، ۱۴۰۲: ۲۹۳). از سوی دیگر، مربیان و معلمان نیز با بهره‌گیری از ابزارهای آموزشی نوین، می‌توانند مفاهیم سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و اخلاق دیجیتال را در قالب فعالیت‌های کلاسی، پروژه‌های گروهی و بازی‌های آموزشی به کودکان منتقل کنند (مدرسی، ۱۴۰۳: ۴۲). تجربه‌ی دوره‌های تربیت رسانه‌ای مانند «هدی» و «مربیان» نیز نشان داده است که آموزش ساختاریافته والدین و مربیان، موجب افزایش اعتمادبه‌نفس آنان در مواجهه با چالش‌های رسانه‌ای و ارتقاء کیفیت تعاملات تربیتی می‌شود (فیروزمند، ۱۴۰۳: ۱۸). افزون بر این، مشارکت والدین و مربیان در طراحی برنامه‌های آموزشی، تدوین سیاست‌های مدرسه‌محور و ارزیابی محتوای رسانه‌ای، می‌تواند به شکل‌گیری یک «کوسیستم تربیتی هم‌افزا» منجر شود که در آن، کودک در خانه و مدرسه پیام‌های هم‌راستا و مکملی دریافت کند (نعمتی، ۱۴۰۱: ۹۸). بنابراین، تقویت مشارکت فعال والدین و مربیان، نه‌فقط یک راهبرد حمایتی، بلکه یک ضرورت ساختاری برای تحقق تربیت رسانه‌ای مؤثر در عصر دیجیتال است.

۶- الگوی پیشنهادی تربیت رسانه‌ای مبتنی بر حقوق کودک

در این بخش از مقاله، با رویکردی تلفیقی و مسئله‌محور، به ارائه‌ی الگوی پیشنهادی تربیت رسانه‌ای مبتنی بر حقوق کودک خواهیم پرداخت؛ الگویی که تلاش دارد از دل چالش‌ها و فرصت‌های مطرح‌شده، مدلی سازگار با مبانی حقوقی، تربیتی و فرهنگی جامعه برای هدایت زیست رسانه‌ای کودک استخراج کند. این الگو بر اساس اصول بنیادین حقوق کودک—نظیر حق بر آموزش، حفاظت، مشارکت و کرامت انسانی—طراحی می‌شود و نقش‌نهادهای اصلی همچون خانواده، مدرسه، رسانه و قانون‌گذار را در فرآیند تربیت رسانه‌ای بازتعریف می‌نماید. هدف این بخش، ترسیم چارچوبی عملیاتی، چندبُعدی و بومی‌ساز است که بتواند به‌عنوان نقشه‌راهی مؤثر برای حمایت از رشد سالم و اخلاق‌مدار کودک در عصر رسانه‌ای به‌کار گرفته شود.

۶-۱- ارائه چارچوبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی حقوق کودک

در طراحی الگوی پیشنهادی تربیت رسانه‌ای مبتنی بر حقوق کودک، می‌توان با ترکیب آموزه‌های اسلامی و اصول حقوق بین‌الملل کودک، چارچوبی جامع و چندبُعدی ارائه داد که هم به کرامت ذاتی انسان در نگاه توحیدی و هم به الزامات تربیتی و حقوقی عصر دیجیتال توجه داشته باشد؛ در این الگو، سه محور «توانمندسازی»، «حفاظت» و «مشارکت» کودک به‌عنوان ارکان اصلی تربیت رسانه‌ای مطرح می‌شوند، به‌گونه‌ای که کودک بتواند در فضایی ایمن، اخلاقی و آگاهانه رشد کند و نقش فعالی در فرآیند یادگیری و ارتباط رسانه‌ای ایفا نماید (سند ملی حقوق کودک و نوجوان، ۱۴۰۰: ماده ۱؛ سیدناصری، ۱۴۰۲: ۹۱). این چارچوب با تأکید بر مسئولیت خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و دولت، تلاش می‌کند تا الگویی بومی، اخلاق‌محور و حقوق‌مدار ارائه دهد که در آن، اصولی چون امنیت اطلاعاتی، آموزش سواد رسانه‌ای، تربیت اخلاقی و مشارکت فعال کودک

به‌عنوان اجزای مکمل یکدیگر در راستای تحقق رشد متعادل، هویت‌یابی سالم و حفظ حریم خصوصی کودک در فضای رسانه‌ای به‌کار گرفته شوند (هدایتی، ۱۴۰۰: ۲۷)

۶-۲- نقش والدین، مدارس، و نهادهای حاکمیتی

یکی از ارکان اساسی در تحقق تربیت رسانه‌ای مؤثر، بازتعریف نقش والدین، مدارس و نهادهای حاکمیتی در مواجهه با زیست رسانه‌ای کودکان است؛ چرا که تربیت در عصر دیجیتال، نیازمند هم‌افزایی ساختاری و مسئولیت‌پذیری چندسطحی است. والدین، به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی، نقش کلیدی در هدایت مصرف رسانه‌ای، الگوسازی رفتاری و آموزش ارزش‌های اخلاقی دارند؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند که والدینی با سواد رسانه‌ای بالا، بهتر می‌توانند در نقش «میانجی فعال» ظاهر شده و با فرزندان خود درباره محتوای رسانه‌ای گفت‌وگو کنند (نصیری، ۱۴۰۲: ۲۹۳). مدارس نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درسی و فوق‌برنامه، می‌توانند مفاهیم سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی و اخلاق دیجیتال را در قالب فعالیت‌های آموزشی و پروژه‌محور به دانش‌آموزان منتقل کنند؛ به‌ویژه آن‌که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، رسانه را در کنار خانواده، آموزش رسمی و نهادهای غیردولتی، یکی از چهار رکن تربیت معرفی کرده است (هاشمی، ۱۴۰۳: ۴۱). از سوی دیگر، نهادهای حاکمیتی همچون وزارت آموزش و پرورش، شورای عالی فضای مجازی و سازمان صداوسیما، وظیفه سیاست‌گذاری، تدوین استانداردهای محتوایی، حمایت از تولیدات بومی و نظارت بر عملکرد پلتفرم‌ها را بر عهده دارند؛ به‌گونه‌ای که بدون مداخله ساختاری این نهادها، تحقق تربیت رسانه‌ای فراگیر ممکن نخواهد بود (بیات، ۱۴۰۳: ۷). در این میان، تجربه کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که موفق‌ترین الگوهای تربیت رسانه‌ای، آن‌هایی هستند که بر همکاری نظام‌مند میان خانواده، مدرسه و دولت استوار بوده‌اند (هدایتی، ۱۴۰۰: ۲۵). بنابراین، تحقق تربیت رسانه‌ای مؤثر، مستلزم تقسیم کار دقیق، آموزش هدفمند و تعامل مستمر میان سه ضلع اصلی تربیت در جامعه است.

۶-۳- پیشنهاد اقدامات راهبردی برای سیاست‌گذاران

یکی از الزامات تحقق تربیت رسانه‌ای مؤثر در سطح ملی، تدوین و اجرای اقدامات راهبردی توسط سیاست‌گذاران فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای است؛ اقداماتی که بتوانند با رویکردی هماهنگ، چندبُعدی و مبتنی بر حقوق کودک، زیست رسانه‌ای کودکان را به‌سوی رشد متعادل، ایمن و اخلاق‌محور هدایت کنند. بر این اساس، پیشنهادهای راهبردی زیر قابل طرح است:

- تدوین سند ملی تربیت رسانه‌ای کودک با مشارکت نهادهای ذی‌ربط (آموزش و پرورش، صداوسیما، مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و...) و با تأکید بر اصول حقوق کودک، آموزه‌های اسلامی و اقتضات فرهنگی کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۴).
- الزام پلتفرم‌های داخلی و خارجی به رعایت استانداردهای حقوق کودک از طریق تصویب قوانین الزام‌آور، نظارت بر محتوای کودک‌محور، و ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی فرامرزی (هدایتی، ۱۴۰۰: ۳۱).
- ایجاد نظام رتبه‌بندی و اعتبارسنجی محتوای رسانه‌ای کودک بر اساس شاخص‌های تربیتی، اخلاقی و روان‌شناختی، با هدف هدایت خانواده‌ها و مدارس در انتخاب محتوای مناسب (بیات، ۱۴۰۳: ۹).
- توسعه برنامه‌های ملی آموزش سواد رسانه‌ای برای والدین، معلمان و کودکان با بهره‌گیری از رسانه ملی، شبکه‌های اجتماعی بومی و محتوای چندرسانه‌ای تعاملی (نصیری، ۱۴۰۲: ۳۰۱).
- حمایت از تولید محتوای بومی، اخلاق‌محور و جذاب برای کودکان از طریق تخصیص بودجه، معافیت‌های مالیاتی، و ایجاد مراکز نوآوری تربیت رسانه‌ای کودک (کارگروه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۴).
- ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل در حوزه رسانه کودک با اختیارات تقنینی، نظارتی و حمایتی، به‌منظور هماهنگی میان دستگاه‌ها و جلوگیری از تعارض منافع تجاری با مصالح عالی‌ه کودک (سجادی، ۱۴۰۳: ۸۵).

- این اقدامات، در صورت اجرا با رویکردی هم افزا و مبتنی بر شواهد، می توانند زمینه ساز شکل گیری یک اکوسیستم تربیتی رسانه ای شوند که در آن، کودک نه قربانی رسانه، بلکه کنشگر آگاه، اخلاق مدار و توانمند در زیست دیجیتال باشد.

۷- نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی، می توان گفت که زیست رسانه ای امروز، به مثابه واقعیتی غیرقابل انکار، ابعاد مختلف زندگی کودک را تحت تأثیر قرار داده و ضرورت بازتعریف سیاست ها و سازوکارهای تربیتی را دوچندان کرده است. اگرچه رسانه ها در ذات خود می توانند ابزاری توانمند در خدمت رشد شناختی، اخلاقی و اجتماعی کودک باشند، اما در غیاب راهبری هدفمند، چارچوب های حقوقی الزام آور و سواد رسانه ای کافی نزد والدین و مربیان، همین ظرفیت ها به تهدیدهایی جدی برای کرامت، امنیت روانی، و هویت فرهنگی کودک تبدیل می شوند. تحلیل یافته ها نشان می دهد که بدون مدل مفهومی منسجم، نظام تربیتی کشور از هماهنگی لازم با تحولات زیست دیجیتال بازمی ماند و حقوق کودک در برابر منطبق تجاری پلتفرم ها و محتوای بی ضابطه دچار فرسایش می شود. برای برون رفت از این وضعیت، مقاله حاضر الگویی مبتنی بر آموزه های اسلامی و اصول حقوق کودک پیشنهاد می کند که محورهای سه گانه «توانمندسازی»، «حفاظت» و «مشارکت» کودک را در قالب یک نظام اخلاق مدار و بومی ساز سامان می دهد. تحقق این الگو، مستلزم اقدامات عملی در سطح سیاست گذاری و اجراست؛ از جمله تدوین سند ملی تربیت رسانه ای کودک، آموزش فراگیر سواد رسانه ای، حمایت هدفمند از تولید محتوای بومی، و تقویت نهادهای تنظیم گر تخصصی. تنها از طریق چنین رویکرد هم افزایانه و راهبردی است که می توان آینده ای را ترسیم کرد که در آن، کودک نه فقط مصرف کننده منفعل رسانه، بلکه کنشگری مسئول، آگاه و ارزش محور در جامعه دیجیتال باشد.

منابع

۱. اسماعیلی، مهدی (۱۳۸۹)، «حقوق کودک در برابر رسانه‌ها»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال شش، شماره بیست و یک.
۲. بادامی، مهدی (۱۳۹۹)، «کودکان آنلاین و حق آنان بر امنیت همه‌جانبه در فضای مجازی»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۳. برتری‌شو، مهدی (۱۴۰۲)، «نقش رسانه‌های تعاملی در رشد اجتماعی کودکان»، فصلنامه رسانه و تربیت، سال سیزده، شماره سه.
۴. بهشتی، احسان‌الله (۱۳۸۵)، «تربیت کودک در جهان امروز»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. بیات، سارا (۱۴۰۳)، «نقش والدین و نظام آموزشی در آگاه‌سازی دانش‌آموزان از ماهیت رسانه‌ها: رویکردی پیشگیرانه در تربیت رسانه‌ای»، اولین همایش بین‌المللی پیشروان تعلیم و تربیت، خرم‌آباد.
۶. پاینده، مهدی (۱۳۹۸)، «بررسی چالش‌های توسعه زیست‌بوم فضای مجازی در حوزه کودک و نوجوان»، گزارش راهبردی مرکز ملی فضای مجازی.
۷. خورشیدی، مهدی (۱۴۰۳)، «رسانه و هویت کودک در عصر دیجیتال»، فصلنامه رسانه و تربیت، سال چهارده، شماره یک.
۸. دیلمی، ابوالفضل و آذربایجان، محمدرضا (۱۳۸۵)، «اخلاق اسلامی»، قم: انتشارات سمت.
۹. رستاک، نرگس (۱۴۰۳)، «تأثیر رسانه بر تربیت و رشد کودکان»، پایگاه مشاوره کودک فآب، منتشرشده در ۱۰ آذر ۱۴۰۳.
۱۰. سجادی، سیدمحمد (۱۴۰۳)، «تربیت رسانه‌ای یا رسانه تربیتی: چالش‌گفتمانی سیاست‌گذاری در نظام تربیتی ایران»، فصلنامه مطالعات دینی رسانه، دوره شش، شماره بیست و دو.
۱۱. سند ملی حقوق کودک و نوجوان (۱۴۰۰)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک.
۱۲. سهرابی، نرگس، احمدی، فریده و رضایی، مریم (۱۴۰۱)، «تحلیل مفهومی تربیت دیجیتال با رویکرد اسلامی ایرانی»، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، سال هجده، شماره دو.
۱۳. سیدناصری، فرزانه (۱۴۰۲)، «حقوق کودکان در محیط دیجیتال با تأکید بر سند راهبردی شورای اروپا»، فصلنامه حقوق تطبیقی دانشگاه امام صادق (ع)، سال بیست و نه، شماره یک.
۱۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۴۰۴)، «پیش‌نویس سند ملی تربیت رسانه‌ای کودک»، کارگروه تخصصی تربیت رسانه‌ای کودک، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۵. شهسواری، سمانه و حسنی، فریبا (۱۴۰۳)، «حمایت از کودکان در فضای دیجیتال در پرتو تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک»، فصلنامه حقوق کودک و نوجوان، سال هفت، شماره یک.
۱۶. صفاری‌نیا، محمد (۱۴۰۱)، «چالش‌های تنظیم‌گری جهانی در حمایت از حقوق کودک در فضای دیجیتال»، فصلنامه رسانه و اخلاق، سال هفت، شماره دو.
۱۷. غلامی، محمد (۱۴۰۳)، «زیست رسانه‌ای کودکان و بازاندیشی در الگوهای تربیتی»، فصلنامه رسانه و تربیت، سال چهارده، شماره دو.
۱۸. غنی‌زاده بافقی، مهدی و رضوانی، سمیرا (۱۴۰۲)، «راهبردهای حمایت از حقوق کودکان در محیط دیجیتال: مقاله تطبیقی با رویکرد حقوقی و اجتماعی». نسخه رسمی در نشریه تحقیقات حقوقی دانشگاه خوارزمی.

۱۹. فرامرزیانی، پروانه، انصاری، بهناز، سلطانی‌فر، مرتضی و مظفری، امید (۱۴۰۰)، «طراحی الگوی راهکارهای حمایت از حریم خصوصی کودکان در فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات ارتباطات اجتماعی، سال بیست و هشت، شماره یکصد و شش.
۲۰. فراهانی، مهدی و سعید، زهرا (۱۴۰۱)، «رسانه‌های دیجیتال و انگیزش یادگیری در کودکان»، فصلنامه مطالعات تربیتی نوین، سال هفده، شماره دو.
۲۱. فرهادیان، رضا (۱۳۹۹)، «والدین و مربیان مسئول»، چاپ دوم، تهران: انتشارات مدرسه.
۲۲. فیروزمند، مهدی (۱۴۰۳)، «ارزیابی اثربخشی دوره‌های تربیت رسانه‌ای والدین (رشدانه و مربیانه)»، گزارش پژوهشی مرکز تربیت رسانه‌ای باران.
۲۳. قربانی، مهدی (۱۴۰۲)، «تربیت دیجیتال در عصر رسانه‌ای: الزامات اخلاقی و هویتی»، فصلنامه مطالعات تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و پنج، شماره سه.
۲۴. کریمی، محمد و همکاران (۱۴۰۱)، «دلالت‌های سیاست‌گذاری رسانه: مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی فرهنگ، سال دو، شماره سه.
۲۵. مدرسی، سمیه (۱۴۰۳)، «نقش معلمان در آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان: از نظریه تا عمل»، فصلنامه رسانه و تربیت، سال چهارده، شماره دو.
۲۶. مرکز پژوهش‌های آموزش و پرورش (۱۴۰۰)، «تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۲۷. میرمجیدی، سمیه (۱۴۰۳)، «بازخوانی حقوق کودک در مواجهه با منطق تجاری رسانه‌ها»، فصلنامه رسانه و اخلاق، سال نه، شماره یک.
۲۸. نصیری، بهزاد (۱۴۰۲)، «راهبردهای توانمندسازی والدین در زندگی رسانه‌ای فرزندان بر اساس دیدگاه متخصصان»، فصلنامه دین و ارتباطات، سال سی، شماره یک (پیاپی شصت و سه).
۲۹. نعمتی، فاطمه (۱۴۰۱)، «طراحی اکوسیستم تربیتی هم‌افزا در مدرسه و خانواده با محوریت سواد رسانه‌ای»، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، سال هجده، شماره سه.
۳۰. هاشمی، محمد (۱۴۰۳)، «تحلیل جایگاه رسانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزده، شماره دو.
۳۱. هدایتی، محمد (۱۴۰۰)، «تحلیل نظریه تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک در بستر فضای مجازی»، فصلنامه حقوق کودک و نوجوان، سال پنج، شماره دو.
۳۲. یوسفی، سحر (۱۴۰۰)، «چالش‌های تربیت کودکان در فضای مجازی و راهکارهای تربیت دیجیتال»، فصلنامه رسانه و تربیت، سال دوازده، شماره یک.
33. Newman, Frederick (1997), *“The Effects of Television on Child Development”*, New York: Academic Press.
34. United Nations Committee on the Rights of the Child (2021), *“General Comment No. 25 on children’s rights in relation to the digital environment”*, translated and analyzed in: Seyednaseri, Farzaneh (2023), same source.